

"اتهام بی اساس نقض حقوق بشر در ایران!!"

کیوان جاوید

وزارت خارجه بریتانیا در گزارش سالانه اش رعایت نشدن حقوق بشر در ایران را مورد انتقاد قرار داده است و محمد رضا آصفی، سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی این اتهام را بی اساس می خواند.

وزارت خارجه بریتانیا در همین گزارش برای نمونه از "توقیف بیش از پنجاه روزنامه به دستور قوه قضائیه و زندانی شدن شماری از روزنامه نگاران در ایران انتقاد می کند و از حکم زندان برای بعضی از نمایندگان مجلس و بازداشت فعالان ملی - مذهبی ابراز نگرانی (!) می کند". وزارت خارجه بریتانیا در ادامه انتقادات (شجاعانه اش) پا را از این هم فراتر می گذارد و مطرح می کند: "به رغم تلاشهای <ب>مجلس و دولت آقای خاتمی برای بهبود وضعیت زنان (!)، تبعیض جنسی در قوانین ایران همچنان ادامه دارد". این محور و اساس انتقاد وزارت خارجه بریتانیا به رژیم صد هزار اعدام در ایران است. البته وزارت خارجه بریتانیا می تواند نزد یک شنونده یا خواننده بی خبر از اوضاع سیاسی ایران بخود ببالد که از توقیف پنجاه روزنامه و زندانی شدن "خبرنگاران" در ایران انتقاد کرده است. اما کسی که کمترین اطلاعاتی از وضعیت ایران دارد می داند که روزنامه های مورد نظر متعلق به خودی ترین و نزدیکترین یاران رئیس جمهور محبوب دولت بریتانیا، و "خبرنگاران" زندانی صدیق ترین خدمت گذاران حفظ و هراست از جمهوری اسلامی بوده اند و کماکان همه تلاششان جلوگیری از نابودی این رژیم توسط مردم ایران می باشد.

اما درست زمانی جمهوری اسلامی نقض حقوق بشر در ایران را بی اساس می خواند که پنج جوان محکوم به اعدام بر بالای جرقیل در حال جان کندن بودند و چهار زن دیگر کابوس سنگسار بالای سرشان چرخ می زند. این "اتهام بی اساس" درست چند روز قبل از اینکه حمزه قادری بعد از پنج سال زندان بجرم فعالیت با حزب دمکرات اعدام شود از زبان یکی از جنایتکاران جمهوری اسلامی بیان می گردد. جمهوری اسلامی حق دارد ادعا کند که "نقض حقوق بشر" در ایران بی اساس است. چون از نظر این کثیف ترین و عقب مانده ترین نماینده حفظ و حراست نظام سرمایه داری افرادی چون گلی نیک خو بعد از تحمل یازده سال زندان و سید یونس اسعدی که در فاصله یک روز در شهر نقده سنگسار شدند، بشر محسوب نمی گردند.

انتقاد دولت بریتانیا نیز حتی به اشتباه یک بار هم متوجه جنایات هولناکی که هر روز از مردم ایران قربانی می گیرد نمی شود. اگر قرار باشد دولت بریتانیا از پایمال شدن حقوق زنان، جوانان؛ و همه مردم ایران ابراز نگرانی کرده و مسبب این وضعیت را محکوم کند، آنگاه به چه زبانی می تواند به گریختگان از جمهوری اسلامی که با هزار مشقت خود را به انگلیس رسانده و تقاضای پناهندگی داده اند بگوید که حق پناهندگی شان را به رسمیت نمی شناسد. اگر دولت بریتانیا بخواهد حتی سرسوزنی پایمال شدن حقوق انسانی مردم ایران را مطرح کند، آنگاه چگونه خواهد توانست پاسدار حفظ و بقا این حکومت در مقابل تهدید هر روزه مردم ایران برای سرنگونی رژیم اسلامی باشد، و چگونه و با چه اهرمی می تواند رشد آزادیخواهی و برابری طلبی و نفوذ روز افزون گرایش مردم ایران به چپ را به سهم خود مهار کند؟

معلوم می شود هر دو سوی این مناقشه مردم ایران را بشر محسوب نمی کنند و تعریفی که دولت انگلیس و جمهوری اسلامی از حقوق بشرشان بدست می دهند حکایت از این می کند که صرف نظر از هر اختلافی که این دو با هم دارند، حقوق بشرشان ربطی به زندگی و خوشی و رفاه مردم ندارد. برای دست یافتن و پاسداری از حقوق جهانشمول انسان در همه ابعاد آن باید از سیستمی که اسارت و سرکوب انسان مبنای قدرت و سودش است فراتر رفت. تلاش و مبارزه هر روزه، دائمی و بی وقفه ما بر اساس این حکم صورت می گیرد که خوشبختی حق همه انسانها است.